

تشیع در واسط

پس از چیره شدن حجاج بن یوسف، بر شورش های مختلفی که بر ضد امویان می شد، وی مصمم شد تا شهری برای استقرار سلطه خود در حاشیه دجله ایجاد کند. برای انتخاب محل، جایی درست در میان راه کوفه و بصره انتخاب شد. به همین دلیل به آن واسط گفته شد (معجم البلدان: ۳۴۷/۵). این نقطه یا حوالی آن را پیش از اسلام کسکر می نامیدند. این شهر در میانه سالهای ۸۳-۸۷ ایجاد گردید. قرار بود تا از این شهر به عنوان یک پایگاه نظامی برای نگهداری از سپاه شام جهت امور ضروری نیز استفاده شود. اما این شهر به زودی به شهری با شهروندان فراوان درآمد و محلی برای فعالیت عالمان، فقیهان و محدثان مسلمان شد؛ به طوری که یکی از مشهورترین تابعین به نام سعید بن جبیر که در نزد ابن عباس تلمذ کرده و دارای تمایلاتی شیعی بود در آنجا می زیست. وی به دلیل مشارکت در قیام عبدالرحمان بن محمد بن اشعث طی سالهای ۸۱-۸۳ دستگیر و به دستور حجاج کشته شد (مروج الذهب: ۱۶۶/۳-۱۶۷) و قبر وی مزار مسلمانان شد.

بعدها شهر واسط به دلیل تغییر مسیر رودخانه از میان رفت اما در حال حاضر استانی به نام واسط در عراق شرقی وجود دارد که مرکز آن شهر الکوت است. این ایالت، در حال حاضر، یک ایالت کاملاً شیعه نشین می باشد؛ اما صرف نظر از این مطلب، شهر واسط یکی از شهرهایی بود که در دوره عباسیان به تدریج محل اقامت شیعیان از امامی مذهب و زیدی مذهب گردید. منطقه یاد شده در فاصله ۱۷۲ کیلومتری جنوب شرقی عراق در منطقه شیعه نشین قرار دارد.

برای نمونه هشام بن حکم، صحابی امام صادق علیه السلام و متکلم مشهور شیعی به رغم این که در کوفه به دنیا آمد، رشدش در واسط بود و تجارتش در بغداد (نجاشی: ۴۳۳).

ابراهیم بن حیان اسدی کوفی هم از اصحاب امام صادق علیه السلام بود که از کوفه به واسط رفته در این شهر ساکن شد (رجال الطوسی: ۱۲۳).

عبیدالله بن ابی زید احمد انباری از عالمان زاهد و عابد شیعه در واسط بود که از خوف توده سنی شهر، معمولاً به صورت متفرّد می زیست. از وی آثاری در دفاع از تشیع یاد شده است (نجاشی: ۲۳۳). طبیعی است که در قرن دوم اکثریت این شهر بر مذهب حاکمان اموی و عباسی بوده اند. در همین منبع از احمد بن سهل واسطی عدل از راویان شیعه یاد شده که گزارش مزبور را درباره عبیدالله انباری فوق الذکر ارائه کرده است.

علی بن بلاد بغدادی هم دانشمندی شیعی بود که از امام هادی روایت کرده و صاحب کتاب حدیث بود. وی از بغداد به واسطانتقال یافته در آنجا سکونت گزید (نجاشی: ۲۷۸).

در میان تألیفات شیخ صدوق (۳۸۰) نیز کتابی وجود دارد با عنوان «جوابات المسائل الواردة من واسط».

از برخی اخبار چنین به دست می آید که در واسط قرن پنجم و ششم، محله ای مختص زیدی مذهببان بوده است. درباره ابراهیم بن سعید بن طیب رفاعی، از قبیله عبدالقیس که از شاعران معروف شیعی دوره عباسی بوده، گفته شده است که در واسط، در محله زیدیه اقامت داشته است (انباه الرواه: ۲۰۴/۱).

بنا به گزارش ابن جوزی در رویدادهای سال ۴۰۷ در ماه ربیع الاول، میان شیعیان و سنیان در شهر واسط اختلاف پیش آمده و با یکدیگر درگیر شدند. در این ماجرا محله های شیعه و زیدیه غارت شده و آتش گرفت و بزرگان شیعه و علوی از شهر واسطگریخته به علی بن مزید اسدی امامی پناه برده از او کمک خواستند (المنتظم: ۱۲۰/۱۵). همین گزارش را یاقوت حموی در معجم الادباء (۶۵/۱) آورده و به حضور رافضیان در این شهر تصریح می کند.

علی بن محمد بن شاکر لیثی واسطی، نویسنده کتابی با عنوان عیون الحکم و المواعظ که کتابی هم در فضائل اهل بیت (ع) داشته از علمای برجسته امامی مذهب بوده و در محله قاف در شهر واسط زندگی می کرده است (ذریعه: ۳۸۰/۱۵).

شاعری به نام حسن بن علی بن نصر بن عقل معروف به ابوعلی عبدی واسطی بغدادی از شعرای بنام عراق در قرن ششم هجری است که شیعه بود و برای امرای مختلف شعر می سرود. وی در نهایت در خدمت امرای شیعه بعلبک درآمد (تاریخ الاسلام ذهبی: ۲۳۷/۴۲).

ابوالفضل اسفندیار بن موفق بن محمد بن یحیی که اصل وی از پوشنگ ولی متولد واسط بود، و بعدها در بغداد سکونت کرد، از شاعران شیعه است. وی به فضل و ادب و نظم و نثر زیبا ستایش شده و زمانی هم مسؤولیت دیوان رسائل را داشت. ذهبی او را با عبارت «کان شیعیاً غالباً» وصف کرده است (تاریخ الاسلام ذهبی: ۲۲۳/۴۵).

باید بیفزاییم که محمد بن فلاح مشعشی، بنیانگذار دولت شیعی مشعشی در جنوب ایران و عراق، در واسط متولد شد و در حله تحصیل کرد (الاعلام زرکلی: ۳۳۲/۶). وی از خواص شاگردان ابن فهد حلی بود.

شماری از مراقد فرزندان ائمه علیهم السلام در شهر واسط وجود دارد که عبارت است از:

مرقد سید ابوالحسن محمد که در منطقه کوت قرار دارد.

مرقد سید تاج الدین ابو محمد در ناحیه الحفریه.

مرقد سید نور الهلال.

علاوه بر اینها مقبره سعید بن جبیر نیز که در بخش «الحی» قرار دارد، مزار مسلمانان است.

تأثیر تشیع کوفه، نجف و حله بر ایران

زادگاه اصلی تشیع، مدینه نبوی جایی است که غالب امامان شیعه در آن می زیستند، اما رشد و گسترش تشیع در کوفه و در میان قبایل عربی صورت گرفت. پس از آن بود که تشیع از کوفه به شهرهای مختلف از جمله بغداد، حلب، بصره و شماری از شهرهای ایران آمد.

تشیع اصیل، تحت رهبری امامان و با تلاش محدثان و مؤلفان شیعه در قرن دوم و سوم به نقاط مختلف جهان اسلام رسید و در این میان، ایران از جمله مناطقی بود که مبلغان شیعه بدان سوی آمدند و کسانی جذب این مذهب شدند.

دعوت داعیان و عالمان شیعه، مهاجرت قبایل شیعه عرب و همین طور حرکت سادات و نیز رفتن شماری از دانش پژوهان علاقه مند به عراق و بازگشت به ایران، همگی کمک کرد تا اندیشه های شیعه در ایران استوار شود.

به طور کلی تشیع اصیل در کوفه، بغداد، نجف و حله در چند نوبت به صورت گسترده به ایران انتقال یافت.

۱- مرحله نخست انتقال شاخه ای از قبیله اشعری به قم بود که اصل آنان یمنی بود و پس از پیامبر (ص) به قصد مشارکت در فتوحات به عراق آمدند. این جماعت در جریان دعوت های شیعی در عراق و به خصوص به دلیل شاگردی شماری از ایشان در مکتب امام علی علیه السلام به تشیع گرویدند. در جریان فشارهای امویان در عراق بر شیعیان، آنان راهی ایران شده و در قم ساکن شدند. این نخستین گروه منسجم و یک دست شیعی بود که در ایران استقرار یافت. این جماعت هویت عربی خود را تا چند قرن حفظ کردند. ما درباره مهاجرت اشعری ها به قم و فهرست شماری از عالمان و محدثان آن در جای دیگر سخن گفتیم.

۲- مرحله دوم انتقال تشیع از مکتب بغداد و نجف به ایران در دوران شیخ طوسی (م ۴۶۰) و فرزندش ابوعلی بود. شیخ، بخش مهمی از عمرش را در بغداد سپری کرد و عاقبت پس از فشار

افراطی‌ها و زمانی که کتابخانه‌اش به آتش کشیده شد، به نجف آمد و حوزه علمی نجف را پایه‌گذاری کرد. در آن جا بود که شماری از ایرانیان شیعه از شهرهای قم، ری، ساری، گرگان و جز آنها، راهی عراق شده و در مکتب شیخ و اندکی پیش از آن مکتب شیخ مفید (م ۴۱۳) و سید مرتضی (م ۴۳۶) تحصیل کردند.

شیخ از ایرانیانی بود که از خراسان به بغداد رفت و در مکتب شیخ مفید به درجه استادی رسید. در میان شاگردان شیخ طوسی و فرزندش ابوعلی، شمار فراوانی ایرانی هست. به علاوه، آموزه‌های شیعی شیخ طوسی که مدافع نوعی تشیع اصولی و علمی و معتدل بود، به ایران منتقل گردید. نمونه این تفکر در کتاب مهم «نقض» از عبدالجلیل قزوینی رازی که در سال ۵۶۰ نوشته شده انعکاس یافته است.

بسیاری از شاگردان شیخ طوسی القاب قمی، نیشابوری، جرجانی، آملی، نسفی، مروزی، قزوینی و آبی - آوی - دارند. برخی از آنان عبارتند از:

آدم بن یونس نسفی، احمد بن حسین بن احمد خزاعی نیشابوری، اسحاق بن محمد بن حسن بن حسین بابویه قمی و برادرش اسماعیل بن محمد بن حسن بن حسین بن بابویه قمی، حسن بن حسین بن بابویه قمی معروف به حسکا (نزیل الری). فرد اخیر جد منتجب الدین نویسنده کتاب الفهرست است که استاد بسیاری از عالمان شیعی ایران در قرن ششم می باشد. او مدرسه‌ای در ری داشت که عبدالجلیل درباره آن نوشته است: مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه که پیر این طایفه بود که نزدیک است به سرای ایالت و در آنجا نماز به جماعت و قرائت قرآن و تعلیم قرآن کودکان و مجلس وعظ و طریق فتوا و تقوا ظاهر و معین بوده است و هست (نقض: ۳۴).

دیگر از شاگردان شیخ طوسی، حسین بن مظفر بن علی حمدانی قزوینی (نزیل قزوین) (م ۴۹۸) است که به نوشته منتجب الدین، سی سال نزد شیخ طوسی، تمامی آثار وی را براو خواند (فهرست: ۴۷). دیگری عبدالجبار عبدالله بن علی مُقَرِّی رازیء معروف به مفید. منتجب الدین او را «فقیه الاصحاح بالری» دانسته و گفته است که شاگرد سلاربن عبدالعزیز و ابن برّاج بوده است. وی پس از تحصیل در بغداد به ری بازگشت و به تربیت شاگرد پرداخت. به گفته عبدالجلیل، او چهارصد شاگرد داشته است (نقض: ۲۱۰) همو نوشته است: «مدرسه خواجه عبدالجبار مفید که چهارصد مرد فقیه و متکلم در آن مدرسه درس شریعت آموختند» (نقض: ۳۵). در این صورت وی باید یکی از حلقات مهم اتصال مکتب بغداد و نجف با شیعیان ایرانی باشد.

در میان شاگردان ابوعلی پسر شیخ طوسی که حوزه پدر را پس از وی اداره می کرد، از این قبیل ایرانیان عالم فراوان هستند.

۳- مرحله سوم انتقال تشیع اصیل عراق به ایران، تشیع مکتب حله بود. این مکتب به طور عمده توسط ابن ادریس (۵۵۸-۵۹۸) محقق حلی (م ۶۷۶) و علامه حلی (م ۷۲۶) اداره شد و بر تشیع نقاط دیگر جهان اسلام تأثیر داشت. شاگردان ایرانی این مکتب به خصوص از جرجان بسیار فراوان بودند، به طوری که می توان گفت در طول دو قرن، تنها و تنها اندیشه های علامه حلی بود که به طور منظم در میان شیعیان ایران ترویج می شد. در این دوره، نه تنها کسان زیادی از طلاب علوم دینی و فلسفی به عراق و به خصوص به حله و نجف می رفتند و با آموزه های تشیع آشنا می شدند، بلکه مسافرت علامه حلی به ایران در دوره سلطان محمد خداپسند (م ۷۱۶) تأثیر زیادی در رواج تشیع داشت.

همین نهضت علمی در دوران فخر المحققین (۶۸۲ - ۷۷۱) ادامه یافت و حتی بیش از دوره پدر بود. و بارورتر از آن شد. آثار علامه حلی و فرزندش فخر المحققین در ایران دست به دست می گشت و نسخه های کتابهای فقهی او رواجی فراوان داشت. حتی برخی از آنان به فارسی ترجمه شد. شماری از شاگردان ایرانی علامه حلی از این قرار هستند:

۱- ابوالفتح احمد بن بلکو بن علی آوی: وی اجازه ای از علامه و فرزندش دارد که تاریخ آن سال ۷۰۵ است. وی به سال ۷۳۲ نسخه ای از نهج البلاغه را در اصفهان نوشته است.

۲- جمال الدین اسکندر استرآبادی: شاگرد فخرالمحققین.

۳- تاج الدین حسن بن حسین بن حسن سرابشنوی کاشانی: از شاگردان علامه حلی.

۴- حسن بن محمد بن بهاءالدین سرابشنوی: از شاگردان علامه حلی و دارای اجازه از وی به تاریخ جمادی الاولی سال ۷۱۵.

۵- حسین بن ابراهیم بن یحیی استرآبادی: دارای اجازه از علامه با تاریخ ۷۰۸.

۶- شرف حسین بن محمد بن علی طوسی از شاگردان علامه حلی و دارای اجازه از وی با تاریخ آخر ذی حجه ۷۰۴.

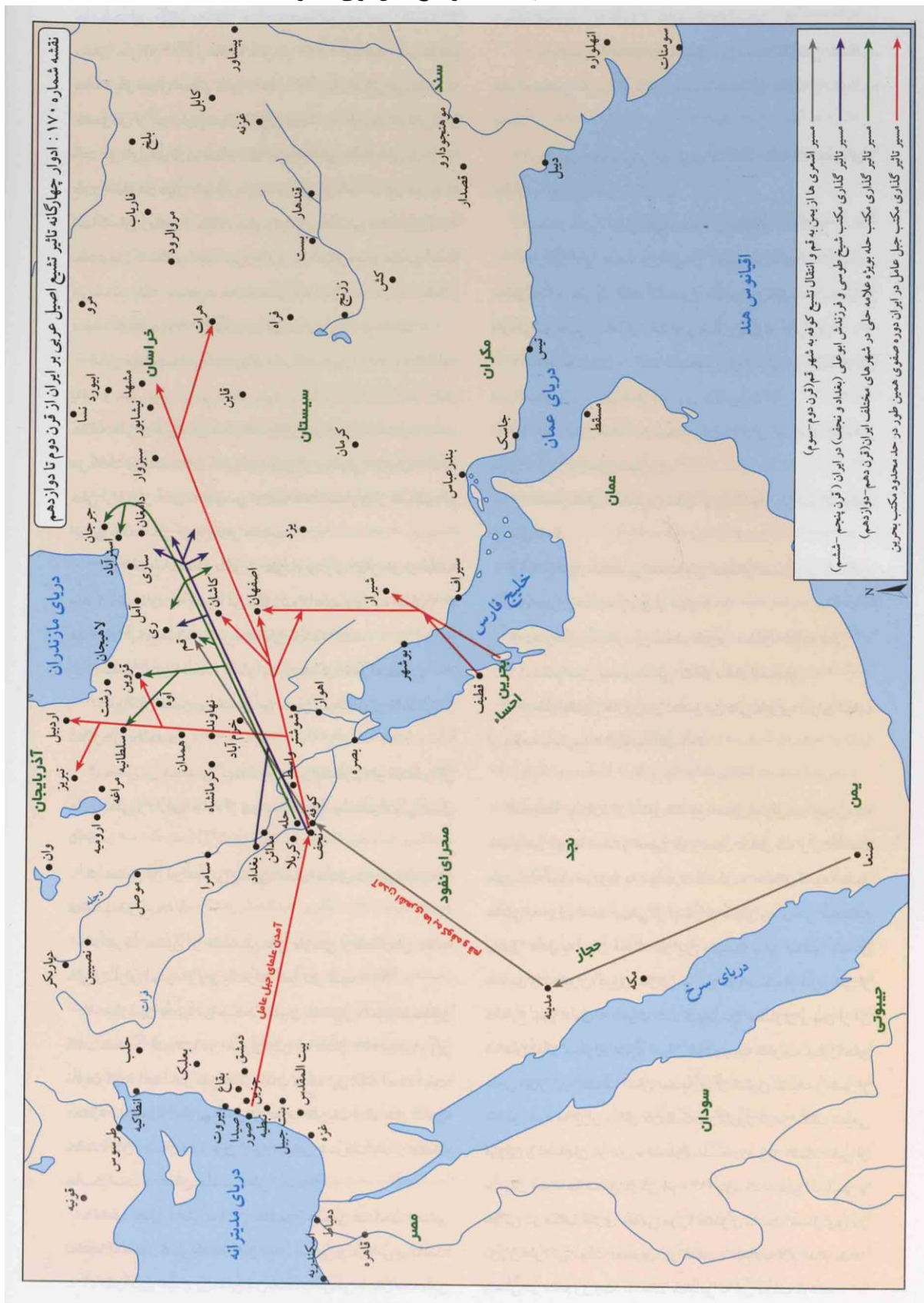
۷- حمزه بن حمزه بن محمد علوی حسینی: فخرالمحققین کتاب تحصیل النجاء را در اصول دین به سال ۷۳۶ به نام وی تألیف کرده است. در متن همان کتاب با قید این نکته آمده است: «حمزه بن حمزه العلوی المتوطن بقریه شریف آباد من ناحیه جاست من اعمال قم». وی از روستای شریف آباد از منطقه جاست است که همان جاسب فعلی است.

- ۸- سید حیدر آملی عارف مشهور شیعی صاحب تفسیر المحيط الاعظم و کسی که به تلفیق سنت شیعی و عرفانی پرداخت.
- ۹- فخرالدین حیدر بن علی بن محمد بیهقی: فخرالمحققین رساله الفخریه را به نام وی تألیف کرده است.
- ۱۰- تاج الدین ابوسعید بن حسین بن محمد کاشی: شاگرد فخرالمحققین که نزد او کتاب تبصره المتعلمین علامه را خوانده است.
- ۱۱- علی بن محمد بن رشید آوی: شاگرد علامه که اجازه ای از ایشان با تاریخ رجب ۷۰۵ دارد.
- ۱۲- صدر الدین ابوابراهیم محمد بن اسحاق دشتکی.
- ۱۳- رکن الدین محمد بن علی بن محمد جرجانی استرآبادی ساکن حله و مترجم کتاب الفصول النصیریة خواجه نصیر از فارسی به عربی و شاگرد علامه و شارح یکی از آثار وی.
- ۱۴- محمد بن محمد اسفندیاری آملی از شاگردان فخرالمحققین و دارای اجازه از وی با تاریخ ۷۴۵.
- ۱۵- قطب الدین محمد بن محمد رازی: دارای اجازه از علامه از سال ۷۱۳ در ورامین شهر ری.
- ۱۶- شمس الدین محمد بن هلال آوی: با اجازه از فخرالمحققین از سال ۷۰۵.
- ۱۷- تاج الدین محمد بن محمد بن عبدالواحد رازی: شاگرد علامه و دارای اجازه از وی از سال ۷۰۹.
- ۱۸- بدرالدین محمود بن محمد طبری: شاگرد علامه حلی.
- ۱۹- نظام الدین محمود آملی: شاگرد فخرالمحققین.
- ۲۰- ضیاءالدین هارون بن حسن بن علی طبری: دارای اجازه از علامه با تاریخ ۱۷ رجب سال ۷۰۱.

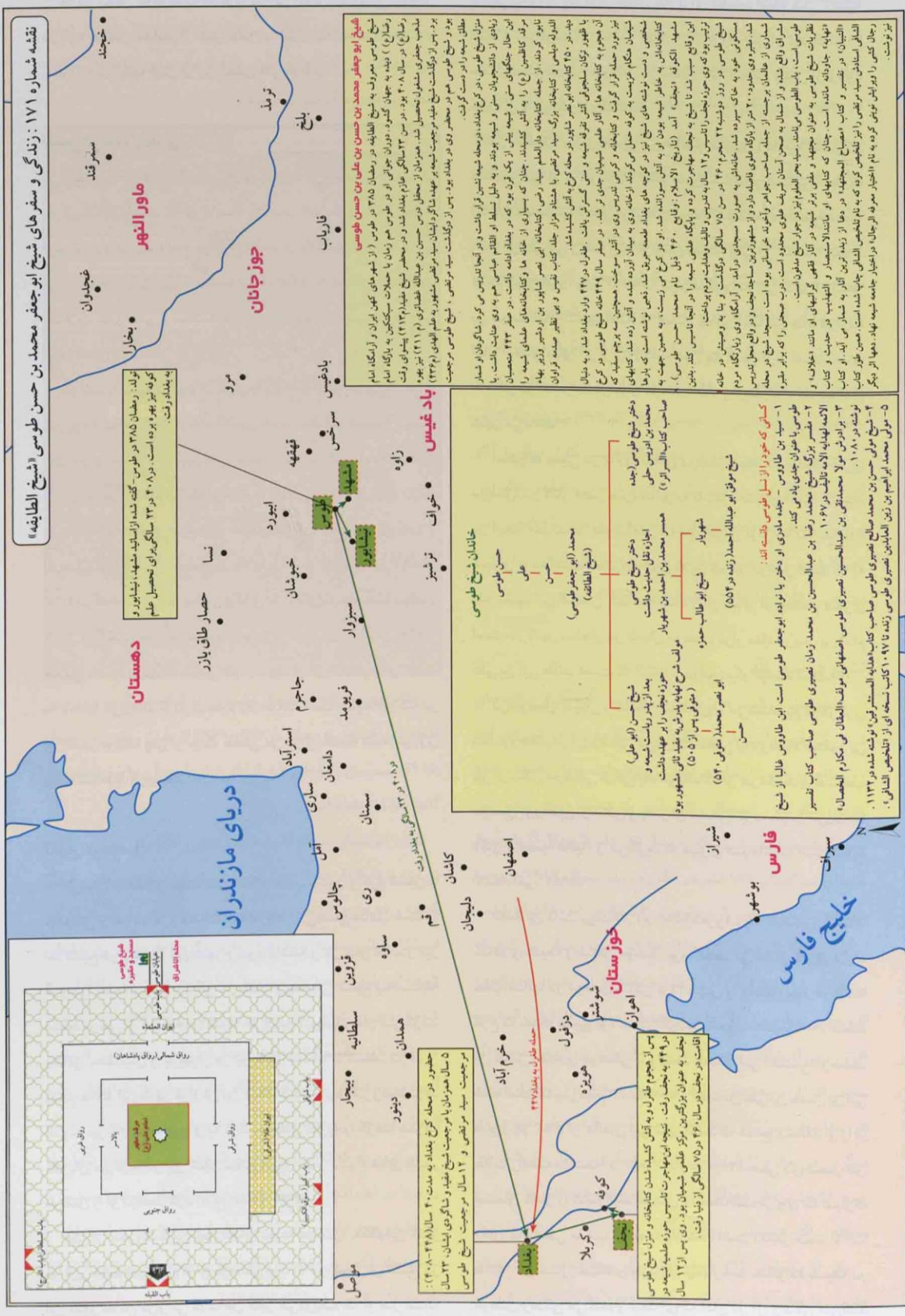
۴- مرحله چهارم از تأثیر تشیع اصیل عراق بر ایران، به خصوص حوزه نجف و همین طور جبل عامل که وارث سنت فقهی حله بود، مربوط به مهاجرت گسترده علمای شیعه جبل عاملی به ایران است. برخی از اینان از عراق و برخی مستقیم از جبل عامل به ایران آمدند. در این مرحله باید انتقال علمای بحرین را به ایران، بویژه فارس، بر آن افزود. شمار فراوانی از مشایخ جبل عامل به دعوت شاه طهماسب صفوی و پس از آن شاهان دیگر صفوی عازم ایران شده و به

تقویت حوزه های علمی ایران پرداختند. آنان بسیاری از متون شیعه را نیز از مناطق خود به ایران منتقل کردند که در بارور کردن مکتب شیعی قزوین و اصفهان در دوره صفوی سخت مؤثر افتاد. یکی از برترین نمونه ها محقق کرکی (م ۹۴۰) بود که نقش اساسی و حیاتی در مکتب فکری - فقهی دوره صفوی داشت. نسل وی در دوران طولانی دولت صفوی، در سیمت شیخ الاسلام، امام جمعه و حتی در مقام وزارت، خدمات شایانی به این دولت کردند.

نقشه شماره ۱۷۰: ادوار چهارگانه تأثیر تشیع اصیل عربی در ایران



نقشه شماره ۱۷۱: زندگی و سفرهای شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی «شیخ الطائفه»



ما در بخش مربوط به صفویه در این اطلس شرحی مفصل درباره عالمان مهاجر از جبل عامل به ایران به دست داده ایم و بنابراین در اینجا بیش از این سخن نمی گوییم.